

کلام مرحوم آخوند:

مرحوم آخوند درباره امر عقیب خطر می نویسد:

«أنه اختلف القائلون بظهور صيغة الأمر في الوجوب وضعاً أو إطلاقاً فيما إذا وقع عقيب الحظر أو في مقام توهمه على أقوال نسب إلى (المشهور ظهورها في الإباحة) و إلى (بعض العامة ظهورها في الوجوب) و إلى (بعض تبعيته لما قبل النهي إن علق الأمر بزوال علة النهي) إلى غير ذلك.»^۱

توضیح:

۱. کسانی که صیغه امر را ظاهر در وجوب می دانستند (چه قائل به وضع هیأت امر برای وجوب بوده باشند و چه بگویند: چون استحباب محتاج قرینه است اگر امر بدون قرینه استعمال شد ظاهر در وجوب است)، در جایی که امر پشت سر منع استعمال شود (و یا در جایی استعمال شود که احتمال منع داده می شود) به چند دسته تقسیم شده اند:

۲. به مشهور نسبت داده شده است که امر در این صورت در اباحه ظهور دارد.

۳. به برخی از اهل سنت نسبت داده شده است که امر در این صورت ظاهر در وجوب است.

۴. و به برخی از اهل سنت نسبت داده شده است که اگر امر معلق به زوال علت نهی است، (مثلاً اگر بگویند «بخور اگر غروب شد» در این جا غروب یعنی زوال روز و روز علت منع از اکل در صوم است) تابع حکمی است که خوردن قبل از نهی داشته است (یعنی اگر قبل از نهی مستحب بود، بعد از نهی هم چنین است و اگر مباح یا واجب بود هم همینطور است) ولی اگر تعلیق مذکور نیست، امر دال بر وجوب است.

ایشان سپس می نویسد:

«و التحقيق أنه لا مجال للتشبه بموارد الاستعمال فإنه قل مورد منها يكون خاليا عن قرينة على الوجوب أو الإباحة أو التبعية و مع فرض التجريد عنها لم يظهر بعد كون عقيب الحظر موجبا لظهورها في غير ما تكون ظاهرة فيه. غاية الأمر يكون موجبا لإجمالها غير ظاهرة في واحد منها إلا بقرينة أخرى كما أشرنا.»^۲

۱. كفاية الأصول (طبع آل البيت) ؛ ص ۷۶

۲. كفاية الأصول (طبع آل البيت) ؛ ص ۷۷



توضیح:

۱. نمی توانیم به موارد استعمال «امر عقیب حطر» استدلال کنیم و یک قول را ترجیح دهیم چراکه:
۲. جز موارد نادر نمی توان موردی را یافت که امر استعمال شده بدون قرینه، وجوب یا اباحه یا تبعیت را بفهماند.
۳. و اگر هم جایی را از قرینه خالی کنیم، نمی توانیم بگوییم «عقیب حطر بودن» قرینه ای است برای اینکه ظهور ثانوی در معنایی غیر از وجوب، ایجاد شود.
۴. غایت امر آن است که «عقیب حطر بودن» موجب اجمال صیغه امر می شود (یعنی ظهور اولیه در وجوب را از بین می برد و ظهور در معنای دیگر ایجاد نمی کند) و برای هر معنایی که بخواهیم لفظ را بر آن حمل کنیم محتاج قرینه دیگری هستیم.

ما می گوییم:

قبل از بررسی این بحث باید نکاتی را متذکر شویم:

نکته اول) مرحوم محقق رشتی می نویسد:

«و لیعلم أنّ الموضوع فی هذه المسألة غیر الموضوع فی البحث عن مدلول الأمر مطلقاً لأنه یعمّ صیغة افعال و ما فی معناها كما مرّ و الظاهر اختصاص موضوع هذه المسألة بخصوص الصیغة فلا یجری فی أسماء الأفعال قطعاً و لو قلنا بدخولها تحت ذلك النزاع و أمّا الأمر الغائب فإطلاق العناوین یشمله لكن یمکن القول بخروجه أيضاً لأن استعماله فی الإباحة بعد الحظر لیس علی حدّ استعمال الصیغة فیها و کذا الظهور الذی ادّعاه القائلون بالإباحة لعلّه لیس علی وتيرة واحدة فی الموضوعین»^۱

توضیح:

۱. این بحث با بحث از «ظهور امر در وجوب» فرق می کند چراکه:
۲. بحث در ما نحن فیهِ فقط درباره «صیغه امر حاضر» است در حالیکه در بحث از «ظهور امر در وجوب»، درباره صیغه افعال و هرچه آن معنی را در بر داشته باشد [ما می گوییم: هر چه ایجاد بعث شدید اعتباری می کند] بحث می کردیم.
۳. لذا بحث اینجا درباره اسماء افعال [مثل هیهل و..] جاری نمی شود (در حالیکه آن بحث درباره آن مطرح بود) هم چنین این بحث درباره امر غایب [لیأکل] جاری نیست (اگرچه عنوان «امر عقیب حطر» شامل آن می شود ولی استعمال چنین امری در موضوع حطر زیاد نیست و لا اقل به اندازه امر حاضر نیست)

۱. بدائع الأفكار؛ ص ۲۴۰



۴. هم چنین فرق دیگر این بحث با بحث از «ظهور امر» آن است که آنها که می گفتند امر ظاهر در اباحه است، مرادشان از اباحه، یکی از احکام خمسه بود در حالیکه آنها که می گویند «امر عقیب حظر ظاهر در اباحه» است، مرادشان از «اباحه»، به معنای جواز است (یعنی هر حکمی غیر از حرمت)

نکته دوم) مرحوم محقق رشتی در تشریح معنای «وقوع بعد الحظر» می نویسد:

«و المراد بالوقوع بعد الحظر صدوره لفظاً بعد الحظر الواقع فمثل صلاة الحائض و النفساء بعد الحيض و النفاس خارجة عن محلّ الكلام لأن وجوبها عليهما ليس بأمر حادث بعد انقضاء زمان الحيض و النفاس بل بنفس الأمر الأوّل الذي اقتضى وجوبها عليهما في جميع الأزمان و خروج بعض الأزمنة عن تحت العام الأزمانى لا يقدح في تناوله للأزمنة المتأخرة.»^۱

توضیح:

۱. «وقوع امر بعد از خطر» به معنای آن است که امر بعد از «منع واقع شده» به هیأت امر تلفظ کند (صدور لفظی امر بعد از وقوع منع و حظر باشد)

۲. و لذا امر به صلوة برای حائض و نفساء بعد از پایان حیض و نفاس اصلاً داخل در این بحث نیستند چراکه امر به حائض (به اینکه می گوید نماز بخوان) بعد از نهی صادر نشده است بلکه یک امر به صورت قاعده کلیه نسبت به زنان وارد شده است (نماز بخوانید) و بعد برخی از زمان ها از تحت این قاعده خارج شده است.

۳. [پس بحث در جایی است که تلفظ به هیأت امر بعد از منع باشد ولی اگر حکم کلی باشد که بعد از منع را شامل می شود، از محل بحث ما خارج است]

نکته سوم) مرحوم رشتی می نویسد:

«و لا فرق في الحظر بين كونه محققاً أو متوهماً و لا بين كونه شرعياً أو عقلياً خلافاً لظاهر الكلّ أو الجمل.»^۲

توضیح:

۱. فرقی نمی کند که حظر (منع یا نهی) محقق باشد یا مکلف چنین حظری را توهم کرده باشد و امر در صد رفع توهم باشد.

۲. فرقی نمی کند حظر شرعی باشد یا عقلی.

۱. بدائع الأفكار؛ ص ۲۴۰

۲. بدائع الأفكار؛ ص ۲۴۰



۳. البته عدم فرق بین حظر شرعی و عقلی مخالفینی دارد که یا همه علما هستند یا اکثر آنها.

